

میدون و سوفیا

یک بوم ودوها نمیشه



پوریا عالمی

● ما مخالف مخالفان هستیم که می‌گویند آزادی بیان نیست و فلائی چون فلان گفته یا نوشته، فلان سال فلان شده. ما امروزه خدا را شاکریم که آزادی بیان هست، حالا ممکن است که همه‌جا و هم‌سطح توزیع نشده باشد، همان‌طور که مطبوعات ما آزادند، اما بعضی آزادترند. قدیم شما دو کلمه راجع به دکتر محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور محترم کشور به مدت هشت سال آزارک، می‌نوشتی، روزنامه هنوز چاپ نشده و جوهرش خشک نشده بود، از شونصدجا به هفتصدجا فشار می‌آوردند که به معجزه قرن توهین شده.

خود ما کلی بابت دکتر احمدی‌نژاد جواب پس دادیم که چرا به دکتر توهین کردی؟ ما می‌گفتیم دکتر اول به مردم توهین کرده. منتها می‌گفتند بخشش از بزرگان است و شما باید دکتر را می‌بخشیدید. حالا یک چیزی گفت! خلاصه از ما که گذشت، اما خدا را شکر که روزنامه خراسان می‌تواند چنین انتقاد و ادبیاتی داشته باشد. اصلا ما هزینه دادیم که جوان‌ها و خراسان‌ها بتوانند راحت کار کنند. کیهان که به هکذا.

روزنامه خراسان نوشته: «آقای روحانی باور کنید دروغ از گناهان کبیره است. شما چطور مدعی هستید ظرف چهار سال درمجموع ۶۰ درصد تورم داشته‌ایم، درحالی‌که تمامی اجناس در دو ماه اخیر بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد تورم داشته‌!؟

رئیس‌جمهور با وقاحت اعلام می‌کند آب و برق و گاز گران نشده، اما قبض آب نسبت به دوره‌های قبل چندبرابر می‌آید. به سازمان آب مراجعه کردم، می‌گویند آب گران شده، چرا به مردم دروغ می‌گوید؟

با نمره رد مجلس به اقتصاد روحانی بهتر است ایشان دیگر به ادامه کار در ریاست قوه مجریه فکر نکنند و استعفا دهند.

آقای روحانی پاسخ‌هایت به سؤالات نمایندگان بسیار مضحک و خنده‌دار بود! حداقل ساعتی ما را خندان‌دی. تا وقتی دلت به آمار وزیرت خوش باشد وضع ما بهتر از این نمی‌شود».

همان‌طور که با چشم غیر مسلح رئیس‌جمهور وقیح و دروغ‌گو و مضحک و خنده‌دار خوانده شده، بلکه طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور به اجرا گذاشته شده است.

یک زمانی اگر ما به رئیس‌جمهور که هیچی، به مدیرش که معتقد بود عکس احمدی‌نژاد روی دیوار باعث شده زلزله همه شهر را ویران کند، اما همان یک دیوار سالم بماند، می‌گفتیم بالای چشم‌ت ابروست، برابمان چشم و ابرو می‌آمند.

جمع‌بندی

سوفیا... عشقم... یک بوم و دوهوا نمیشه.

عاشق دوهوایی تو؛ میدون دوم

آن‌سوی آب‌ها

روبات‌های قاتل را محدود کنید

به‌تازگی کمپینی جهانی شکل گرفته تا قبل از اینکه دیر شود، روبات‌های قاتل و دیگر سیستم‌های سلاح‌های خودکار ممنوع شوند. به گفته سازمان عفو بین‌الملل، پیشرفت‌های تکنولوژیکی سریع شکل‌گیری آنها را به واقعیت نزدیک‌تر می‌کنند، اما در این زمینه هنوز قوانین بین‌المللی تدوین نشده است.

دو، سه روز دیگر نشست ی از گروه کارشناسان دولتی در ژنو برگزار می‌شود تا گزینه‌هایی را برای مقابله با تهدید این سلاح‌ها مورد بررسی قرار دهد. بسیاری مدت‌هاست نسبت به عواقب استفاده از هوش مصنوعی هشدار می‌دهند. حالا این نگرانی وجود دارد که سیستم‌های کامپیوتری و ماشین‌ها جای مغز انسان را بگیرند؛ ماشین‌هایی که می‌توانند جایگزین مغز انسان بشوند و وظایف را انجام دهند، اما این‌بار پای ایجاد چیزهایی مانند روبات‌های قاتل در میان است.

یک گزارش در اوایل سال جاری هشدار داد که مهاجمان می‌توانند از گسترش هوایماها یا بدون سرنشین تجاری استفاده و آنها را به موشک تبدیل کنند. حالا از نظر سازمان عفو بین‌الملل زمان اقدام است. رشا عبدالرحیم، محقق عفو بین‌الملل در زمینه هوش مصنوعی، به کاردین گفت: «روبات‌های قاتل دیگر فقط داستان‌های علمی- تخیلی نیستند. پیشرفت‌های تکنولوژیکی در سلاح‌ها بسیار فراتر از قوانین بین‌المللی است. ما به سمت آینده‌ای می‌رویم که در آن انسان‌ها می‌توانند از تصمیم‌گیری در مورد استفاده از نیروهایی روباتیک استفاده کنند». این متخصص معتقد است: «برای تغییر خیلی دیر نیست. ممنوعیت استفاده از سلاح‌های خودکار می‌تواند از برخی سناریوهای بسیار خطرناک جلوگیری کند؛ مانند یک مسابقه بین‌المللی با تکنولوژی پیشرفته مانند بین‌ایرقدترت‌های جهان که باعث می‌شود سلاح‌های خودکار گسترش یابند».

به‌هرحال نباید زیاد انتظار موفقیت برای این کمپین را داشت، زیرا کشورهایی نظیر فرانسه، روسیه، انگلیس و ایالات متحده مخالف ایجاد ممنوعیت‌های قانونی هستند.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۹۷ = ۲۱ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ = ۲ سپتامبر ۲۰۱۸ = سال شانزدهم - شماره ۲۳۳۳ = ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ = اذان مغرب ۱۹:۴۹ = اذان صبح فردا ۵:۱۱ = طلوع آفتاب ۶:۳۸

روزنفرها

کارتون خواب

دن بجار



دور دنیا

بحران پناهجویان اجباری ونزوئلا

درخواست‌های پناهندگی از ونزوئلا را رد و تعدادی از آنها را اخراج می‌کند. درحالی‌که رئیس‌جمهور ترامپ از نیکولاس مادورو، دیکتاتور ونزوئلا انتقاد می‌کند و مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور، از کشورهای آمریکای لاتین، خواستار «اقدام بیشتر» علیه ستم در ونزوئلا شده است،

گزارش‌های منتشرشده در ماه آوریل حاکی از آن است که دولت ایالات متحده در سال مالی ۲۰۱۸ حداقل ۱۵۰ ونزوئلایی را اخراج کرده است. وکلای مهاجرت می‌گویند این رقم نسبت به سال‌های گذشته افزایش شایان توجهی داشته است. البته تعجب‌آور نیست که مقامات دولت ترامپ نمی‌خواهند درباره این موضوع صحبت کنند. هر زمان که نظر آنها را درباره ونزوئلا می‌خوانم، با خوشحالی درباره نقض حقوق بشر از سوی مادورو سخن می‌گویند اما نمی‌خواهند درباره سیاست‌های اخراج پناهندگان که دولت خودشان آن را اعمال می‌کند، صحبت شود. واضح است که آنها نمی‌خواهند این واقعیت زشت دیده شود. گذشته از موانع اداری ترامپ درباره ونزوئلا که از کشورهای فقیرتر خواسته است تا برای کمک به ونزوئلایی‌ها بیشتر کمک کنند و خود درهای آمریکا را روی آنها بسته است، باید گفت‌وگویی در سطح منطقه درباره نحوه مدیریت مسائل پناهندگان ونزوئلایی با احتمال افزایش تعداد آنها وجود داشته باشد. اکوادور قرار است در ۱۷ سپتامبر (۲۶ شهریور) نشستی از وزرای خارجه ۱۳ کشور آمریکای لاتین را برای بحث درباره راه‌حل‌های منطقه‌ای حل بحران پناهندگان ونزوئلا برگزار کند. ازجمله مواردی که قرار است مطرح شود، ثبت‌نام و شناسایی پناهندگان ونزوئلایی به این منظور است که مهاجران بتوانند به کشورها یا مناطقی هدایت شوند که مهارت‌های شخصی آنها بیشتر نیاز است. اما در نهایت، این تراژدی انسانی فقط زمانی روند معکوس خواهد یافت که دیکتاتوری ونزوئلا تغییرات ۱۸۰درصدی در سیاست‌های اقتصادی خود انجام دهد یا امکان بازسازی دموکراسی را فراهم کند تا سرمایه‌ها را دوباره به آن کشور بازگرداند و اقتصاد را احیا کند. در غیر این‌صورت خروج ونزوئلایی‌ها به‌طور چشمگیری افزایش خواهد یافت؛ چراکه رژیم مادورو عمدا سیاست‌هایی در پیش خواهد گرفت که میلیون‌ها ونزوئلایی خشمگین به‌خاطر فاجعه اقتصادی کشورشان، ونزوئلا را ترک کنند. مادورو قادر خواهد بود میلیون‌ها ونزوئلایی که در آنجا به پناهنده‌ای دولتی کنترل این میاف ۱٫۵ میلیون نفر در سه سال گذشته از کشور خارج شده‌اند. مارکز می‌گوید: «ما واقعا هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه این روند کاهش یابد، نمی‌بینیم. در منطقه آمریکای لاتین، چنین بحرانی بی‌سابقه است». شرم‌آور اینکه کشورهای آمریکای لاتین پذیرای صدها هزار پناهنده ونزوئلایی بوده‌اند اما ایالات متحده اکثر

امان‌الله قرانی‌مقدم
جامعه‌شناس

شعارهای تفرقه‌افکنانه گروهی معدود و خودسر در چند بازی فوتبال اخیر و به‌ویژه زیرپا گذاشتن پرچم مقدس کشور که تعصبات و جدایی‌جویی قومی را سر دادند و تمامیت ارضی کشور را غیرمستقیم مورد حمله قرار دادند، قلب هر ایرانی وطن‌پرستی را به درد آورد.

این رفتارها خشم جامعه را نسبت به این تعصبات و تعارضات قومی مخرب برانگیخته و خواهان برخورد‌های سلبی و ایجابی با این پدیده نوظهور و شوم هستند، زیرا این‌گونه شعارهای قوم‌گرایانه (Ethnocentrisim) و تفرقه‌افکنانه نسبت به تمامیت ارضی کشور بی‌سابقه و پدیده نوظه‌وری است که اگر جلوی آن گرفته نشود، تشدید و گسترده شده و موجب برهم‌خوردن وحدت، همبستگی و انسجام اجتماعی خواهد شد. باید به یاد این افراد آورد که فرزندان راستین این سرزمین از هر قوم و تباری و با هر خرده‌فرهنگ و مذهب و آیین و عقیده و مرام و حزب و دسته‌ای، برای دفاع از تمامیت ارضی این سرزمین مقدس جان خود را عاشقانه فدا خواهند کرد، چنان‌که در طول تاریخ این را به اثبات رسانده‌اند.

«آرش کانگنیر» برای تعیین مرز ایران و توران، جان خود را در تیر گذاشت و به فراسوی توران رها کرد و پس آنگاه آنجا مرز ایران و توران شد. «رستم فرخ‌زاد» در جنگ قادسیه و «یعقوب لیث‌صفاری» در مبارزه با اعراب و جلال‌الدین محمد خوارزمشاهی در مبارزه با مغولان، «نادرشاه افشار» و «عباس‌میرزا» و «سالار علی دل‌واری دلیر

دغدغه‌های روزمره - ۱

تعصبات و تعارضات

نکوداشت اسطوره‌ها، میراث فرهنگی و هویت ملی و میهنی در تمام زمینه‌ها و از هر طریق ممکن کم محبتی شده است، از جمله آنکه تاریخ چندهزارساله ایران محدود شد و در نتیجه دانش‌آموزان با تاریخ گذشته ایران بیگانه شدند. امکان تک‌ماده در درس ادبیات فارسی فراهم شد و هرکسی که مدرک دیپلم و لیسانس داشت بدون تجربه و طی دوره تدریس به معلمی و مدیریت مدرسه گمارده شد و تعدادی معلم و مدیر و معاون مدرسه با تجربه را در مدت چند روز در وزارت آموزش‌وپرورش در خیابان قوام‌السلطنه (موزه) بازخرید و برکنار کردند و سخن از تاریخ و حدود امپراتوری ایران محدود شد.

بنده خطر آن را در مقالاتی مانند: «بیگانگی با فرهنگ ملی از کودکستان آغاز می‌شود»، روزنامه آفتاب یزد ۸۰/۳/۱۹، «آتش‌ی در نیستان»، انتخاب، ۸۰/۶/۱۲ و «در افکار خود خانه‌تکانی کنیم»، حیات نو ۸۰/۸/۷ و چندین مقاله دیگر به عرض بزرگواران رساندم و عرض کردم، هنگامی که حرمت و تقدس معلم، مدیر و معاون مدرسه نادیده گرفته شد و تعدادی معلم، مدیر و معاون مدرسه را در کمتر از یک ماه برکنار کردیم، به‌طور غیرمستقیم حرمت بزرگ‌ترهاشکسته خواهد شد، اما کو گوش شنوا!! بنابراین علائم این حرمت‌شکنی، ارزش‌ها و هنجارها و کشور را مدت‌ها قبل برای هر جامعه‌شناس و روان‌شناس اجتماعی قابل پیش‌بینی بود و خطر آن را به انواع مختلف اعلام کردند، اما مسئولان هر پدیده‌ای را فردی، ذاتی و ارثی دانستند و «اراده آزاد» به مطرح کردند و مسائل اجتماعی را تنها از دید روان‌شناسی فردی به‌خورد مردم دادند و خود را از زیر بار مسئولیت بیرون کشیدند.

مغز اجتماعی

آیا در دوران پسا-حقیقت زندگی می‌کنیم؟

اجتماعی و کنترل محتوایی آن، می‌توان اکثریت جامعه را از جست‌وجو درباره واقعیت‌های عینی و حقیقی بازداشت. به‌کارگیری مدارهای ماینر مغزی به‌طور مکرر، استفاده از مدارهای پیچیده‌تر برای ساختن واقعیت یا حقیقت را سخت‌تر و اغلب از دسترس خارج می‌کند. در چنین شرایطی قدرت‌های حاکم می‌توانند با ابزارها و ساختارهای اجتماعی موجود فعالیت مغز ما را در سطح مدارهای ماینر، مانند متادان به کروگان بگیرند و بر ما مسلط شوند و رفتار ما را به دلخواه قدرت خود اداره کنند. پدیده به بازی‌گرفتن قوه ادراک، از سده پیش در غرب، به بازی روشن‌کردن چراغ گاز (gas lighting) معروف شده است. ما هم‌اکنون می‌دانیم که دسترسی به همه اطلاعات خصوصی فردی شهروندان و آنلاین و هدایت آن‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی برای حاکمیت‌های اقتدارگرا میسر شده است. اگر روال به همین شکل فعلی پیش رود، زندگی در جنگل جامعه سرمایه‌داری شبکه‌ای، نیاز به تکیه به واقعیت‌های عینی ندارد، توجیه عملکردها و دیدگاه‌های می‌تواند با تکیه به جایگزین‌های واقعیت‌های عینی یعنی با دروغ هم صورت گیرد. علم و دانش با فاکت‌های منفصل، در پشت درهای بسته پژوهشگاه‌ها و نشریات سخت‌فهم محدود می‌شود و از دسترس عموم خارج می‌ماند. هرکس به اندازه رفع نیاز روزمرگی از دانش‌های پراکنده تولیدشده، بسته به خواسته قدرت می‌باشد می‌کند. در چنین شرایطی غیرممکن نیست که ما از نظر سیاسی در جهان پسا-حقیقت زندگی کنیم. حال ساخته‌شدن این جهان پسا-حقیقت تا چه حد وام‌دار اندیشه‌های پسا مدرنیست باشد، خود بحث کارشناسی مفصلی را می‌طلبد.

بدیهی است که ساختن واقعیت و حقیقت، عالی‌ترین فعالیت مغز ما انسان‌هاست. باید در مقابل سیاست پسا-حقیقت ایستاد و شبکه‌های اجتماعی موجود را به‌نفع کارکردهای عالی مغز خود در شناخت واقعیت و حقیقت به کار گرفت و نگذاشت که ما را در جهانی دروغین و جعلی در مدارهای ماینر مغزمان بچرخانند و به بازی بگیرند. نفی حقیقت، نفی انسانیت، تمدن و فرهنگ، تاریخ و دموکراسی است.

زاویه‌ای دیگر

وقتی «من و تو» را به صداوسیما ترجیح می‌دهند

و حذف و تغییر واژه‌ها نیز در رسانه‌های داخلی، نمی‌تواند خللی در اصل خبر ایجاد کند. در خبر اول بازنگری سانسور می‌شود که نقش آفرینی‌هایش در ذهن‌ها مانده و نوع نگرش سیاسی - اجتماعی‌اش نیز مشخص است و واژه‌های هم از بیان آنها ندارد. در خبر دوم، برنامه‌های موسیقی کشور نیز جیز پنهانی نیست و مورد تایید و لازمه دفاعی کشور است و بارها هم در بیان مسئولان به اهمیت بازدارندگی آن اشاره شده؛ پس دلیل متقنی برای پنهان‌سازی این واژه نیست. این می‌تواند اوج بدسلیقگی باشد که مرکز بخش برای در بین مسئولان گزینش می‌شود، منجر به چنین نگاه‌های تک بعدی شود. شاید در خبر، دید این گزینش‌کنندگان خبر، این جزئیات در راستای سیاست تعریف‌شده رادیو و تلویزیون است و به فکر و خیال خود، در چنین راهی به درستی قدم نداشته شده؛ ولی باید گفت در فرجام ماجرا، آنچه در ذهن مخاطب برجای می‌ماند، همان حس روایت دلخواه سر دراز ندارد و از غصه نیز گذشته است...

و حذف و تغییر واژه‌ها نیز در رسانه‌های داخلی، نمی‌تواند خللی در اصل خبر ایجاد کند. در خبر اول بازنگری سانسور می‌شود که نقش آفرینی‌هایش در ذهن‌ها مانده و نوع نگرش سیاسی - اجتماعی‌اش نیز مشخص است و واژه‌های هم از بیان آنها ندارد. در خبر دوم، برنامه‌های موسیقی کشور نیز جیز پنهانی نیست و مورد تایید و لازمه دفاعی کشور است و بارها هم در بیان مسئولان به اهمیت بازدارندگی آن اشاره شده؛ پس دلیل متقنی برای پنهان‌سازی این واژه نیست. این می‌تواند اوج بدسلیقگی باشد که مرکز بخش برای در بین مسئولان گزینش می‌شود، منجر به چنین نگاه‌های تک بعدی شود. شاید در خبر، دید این گزینش‌کنندگان خبر، این جزئیات در راستای سیاست تعریف‌شده رادیو و تلویزیون است و به فکر و خیال خود، در چنین راهی به درستی قدم نداشته شده؛ ولی باید گفت در فرجام ماجرا، آنچه در ذهن مخاطب برجای می‌ماند، همان حس روایت دلخواه سر دراز ندارد و از غصه نیز گذشته است...

ابراهیم عمران: در مراسم تشیع شادروان عزت‌الله انتظامی، وزیر فرهنگ، علی نصیریان، پرویز پرستویی و فاطمه معتمدزایا صحبت کردند. در خبر ۲۰:۳۰ تلویزیون تصویر و صدای سه نفر پخش شد و از صحبت‌های «سیمین‌بانوی» سیمین خیری نبود. در همان روز پوینتن و مرکل در آلمان دیدار داشتند و درباره برجام معتقد به حفظ آن بودند و بانوی سیاست‌مدار ژرمن‌ها، درباره برنامه موشکی ایران ابراز نگرانی کرد. در خبر ۲۰:۳۰، بخش مربوط به برجام پخش شد و درباره برنامه موشکی، گفته شد که مرکل نگران برنامه‌های منطقه‌ای ایران است. این دو مورد نشان‌دهنده رویکرد غیرحرفه‌ای رسانه‌ای در حد تلویزیون است که در رقابت تک‌تنگت این روزها، گوی و میدان را به من و تو و بی‌بی‌سی و ایران‌انترنشنال واگذار کرده است. دو امر خبری که حادث شده و خواه‌ناخواه آنکه دنبال خبر و بعد از خبر است به‌راحتی در جریان پس و پیش چنین رویدادهایی قرار خواهد گرفت